بسم الله النّور

المیزان خوانی جلسه نهم- دوره دوم- سوره مبارکه کهف - ۲۶/ شهریور /۱۴۰۳

بخش اول

شرح سیاق آیات ۲۷ - ۳۱

بخش دوم

- بررسی ۳ دروغ تاریخی درباره مناسبت نهم ربیع الاول

- مراسم و جشنهای دروغین به عنوان قتل خلیفه دوم

- کذب و عدم سندیت قتل خلیفه دوم در این تاریخ

- قتل عمر بن سعد در این تاریخ

- طرح حدیث رفع القلم به بهانه اینروز و ضعیف السند بودن آن

- عدم اسلام فیروز پارسی معروف به ابو لؤلؤ و یهودی بودنش و اقدام به قتل عمر بن خطاب بدلیل تسویه حساب شخصی

- نیاز جهان اسلام به وحدت مسلمین و فتاوای مراجع عالیقدر مبنی بر رعایت این حدود

"بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم وَ به نَسْتَعِینَ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی سَیِّدِنا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّیِّبِینَ الطَّاهِرِین "

بخش اول

شرح سیاق آیات ۲۷ تا ۳۱

جلسه نهم المیزان سوره مبارکه کهف هستیم با سیاق جدید، آیات ۲۷ الی ۳۱.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

آیه ۲۷ "وَاتْلُ مَا أُوحِیَ إِلَیْکَ مِنْ کِتَابِ رَبِّکَ لَا مُبَدِّلَ لِکَلِمَاتِهِ وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا ﴿۲۷﴾"

بر میگرده خطاب به پیغمبر. و از کتاب پروردگارت آنچه که به تو وحی شده بخوان، کلمات خداوند تغییرپذیر نیست و هرگز جزء خدا پناهگاهی نخواهی یافت.

این سیاق آیات ۲۷ تا ۳۱ باز برمی‌گرده به اون ناشکیبایی که پیغمبر توی مسیر هدایت مردم از خودش نشون میداد، خیلی نگران بودند و خیلی تاسف می‌خوردند به حال مردم. خداوند داره اینجا از باب تسلیت به حضرت این آیات را میارن. پیغمبر خیلی ناراحت بودند که چرا مردم به قرآن ایمان نمیارن چرا دعوت ایشون را قبول نمی‌کنند و این آیه عرض کردم از باب تطییب بهش میگن، طیب نفس و تسلیت و دلداری دادن. همون موضوع قبلی را پیش میکشد با یک لحن جدید که بالاخره این دنیا، سرای امتحان هست سرای ابتلا هست و هر چیزی که زینت داره زینتش دائمی نیست این زینت بالاخره میفته و هر زینت‌داری یک روزی به شکل بدون زینت و خشک در خواهد اومد. این نوعی تسلیت به پیغمبر هست.

از **"مُلْتَحَدًا"** شروع کنیم که لغت شناسی هم انجام بدیم. **"مُلْتَحَدًا"** باب چیه؟ اِفتعال. مُفتعل. لحِدَ ریشه‌ش هست.

لَ حِ دَ. وقتی من میگم ریشه، باید جداگانه بخونیم، مثل چی؟ سَ بَ حَ. وقتی میگم ماده، با هم می‌خونیم لَحِدَ. پس توی ریشه ما حروف را جداگانه در نظر میگیریم توی ماده به شکل یک کلمه بهش نگاه می‌کنیم ماده یا هیئت بهش میگن. هیئت این واژه، هیئت این کلمه.

ماده لحد به معنای میل کردن هست، تمایل، میل کردن. **"مُلْتَحَدًا"** چیه صیغه‌ش؟ وزن مُفتَعَل چیه؟ اسم مفعول هست؟ بله؛ اسم مفعول از این وزن داریم اما اینجا اسم مفعول نیست، اسم مکان هست. توی ترجمه میگیم چی؟ پناهگاهی جز خدا نخواهی یافت، پس میشه اسم مکان.

این **"کِتَابِ رَبِّکَ"** منظور چیه؟ **"وَاتْلُ مَا أُوحِیَ إِلَیْکَ مِنْ کِتَابِ"** چیه؟ قرآن یا لوح محفوظ. چرا میگیم لوح محفوظ بهتر هست؟ چه عبارتی توی آیه هست که ما را سوق میده به سوی لوح محفوظ؟ **" لَا مُبَدِّلَ لِکَلِمَاتِهِ"** به ما اشاره می‌کنه که درسته قرآن هم می‌تونه باشه اما لوح محفوظ جایگزین بهتری هست که علامه هم همین رو فرمودند. پس این **"وَاتْلُ مَا أُوحِیَ إِلَیْکَ مِنْ کِتَابِ"** برمیگرده به اول سوره **" إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَی الْأَرْضِ**

زِينَةً لَّهَا لِنَبْلُوَهُمْ" همون آیه شاخص اول سوره. که پیغمبر بالاخره همه چیز زینت هست چرا این همه غصه میخوری؟ گفتیم که در سوره کهف آیات شاخص آیات ۷و۸ هست. آیه ۷و۸ آیات شاخص سوره هستند. (دقیقه۵)

آیه ۲۸ " وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُم بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا ﴿۲۸﴾"

کلمه" **صبر**" را اول معنی کنیم. جناب راغب توی کتاب مفرداتش به معنای امساک و خودداری معنی کرده البته علمای لغت معانی دیگه هم براش آوردند. اصل معنا به معنای همین امساک، حبس هست. حَبَسَ. منع. یه نوعی منع در کلمه صبر هست بعضی ها حتی به معنای مقاومت و استقامت هم معنی کردند تحمل معنی خوبی نیست برای صبر. میگیم صبر و تحمل، اینها جانشین هم نیستند همنشین هم، هم نیستند. تحمل یعنی شما یک شرایط بدی داری فعلا دندون روی جگر بذار اما صبر اینطور نیست صبر اتفاقا پیش رونده هست فعال هست. دندون روی جیگر گذاشتن نیست یه مقاومتی توش هست یه استقامت پیشرونده‌ای توی کلمه صبر هست. حدود ۷۰ بار توی قرآن ما بحث صبر را داریم و احادیث هم در مورد صبر زیاد هست. همون صبری که سه نوع هست همه بلدید صبر در مصیبت، صبر در طاعت، و صبر در معصیت که معصیت بالاترینش هست یعنی حدیث هست اگر صبر در مصیبت سیصد تا اجر میبره صبر در طاعت ششصد تا، صبر در معصیت نهصد تا اجر داره یعنی اون آخری که صحنه گناه پیش بیاد انسان امساک کنه اجرش بالاست. معمولا هم عرض کردم قبلا به یه سری آدمها یک چیزهایی داده میشه که سر این صبر در معصیت هست که حالا مثال و مصداق هم زیاد داریم. در احادیث به صبر خیلی تاکید می‌کنند، میگن صبر به منزله تنه درخت ایمان هست. شما اگر کل ایمان را به شکل یک درخت در نظر بگیرید اون تنه قطوری که از توش شاخه‌ها در میان و منشعب میشن اون صبر هست بعد از این تنه درخت چیا منشعب میشن؟ تمام شاخه‌هایی که از این صبر منشعب میشن سخاوت هست، کرامت هست، مجد هست، یعنی یک چیزی هست که اصل کاری هست، بن‌مایه هست صبر!

کلمه **"وَجه"** چیه؟ وجه هم بگیم. وجه هرچیزی اون جهتی از اون هست که به سمت ما هست یعنی روی هر چیزی، اون چیزی که ازش می‌بینیم. روش را می‌بینیم بهش میگیم وجه. وجه ما هم همین صورت ماست. چرا می‌گیم؟ یا آیاتی هست که میگه وجهت را به سمت مسجدالحرام رو کن. وجهت رو به اون سمت کن چون شریف‌ترین جای بدن انسان، صورتش هست. جای شریفی هست و ما با وجه‌مون به یک سمتی متمایل میشیم مثلا رومون را می‌کنیم این سمتی، با صورت هست، با بقیه اعضای بدن‌مون نیست. این شریف بودن وجه ما باعث میشه که کلا توجه، توجه هم از همین هست یعنی اگر می‌خواهیم به سمت یک چیزی میل کنیم انگار که با تمام وجودمون به سمتش برگشتیم. اصطلاحا توی بحث ادبیات میگن وقتی که جاهایی از قرآن یا از ادبیات عرب، این صورت انسان، نماینده کل بدن انسان هست، بهش میگن بدل جزء از کل یعنی من با یک جزءام برگشتم به سمت چیزی اما انگار با تمام وجودم با تمام حواسم به اون سمت تمایل پیدا کردم، به این میگن وجه. (دقیقه ۱۰)

وجه‌الله میشه صفات و اسماء چون در مورد خدا ما نمی‌توانیم تجسم داشته باشیم و به ذاتش فکر کنیم. کلا فکر کردن در مورد ذات خدا ممنوع هست اما راجع به اسماء و صفات می‌تونیم اسماء و صفات خدا را نماینده وجه خدا بدونیم پس وقتی میگه وجه خدا یعنی اسماء و صفات خدا. یعنی این بر خلاف اون چیزی هست که ما از وجه میگیم.

بعد اگر به باب بره، باب تفعیلش میشه چی؟ توجیه و باب تفعلش میشه، توجه. شنیدید میگیم که باب تفعل از باب تفعیل چی داره؟ یه کلمه‌ای هست اینجا. باب تفعل از باب تفعیل چی داره؟ نشنیدید کلمه متابعه، اثرپذیری؟ باب تفعل از باب تفعیل اثر پذیری دارد؛ یعنی چی؟ من الان باب تفعل وجه را بگم میشه توجه، توجیه. چجوری توجیه روی توجه مخاطب اثر میذاره؟ توجیه معنای منفی به کار نبرید توی ذهن‌تون. کلا توجیه. من برای اینکه توجه شما را جلب کنم به سمت خودم، توجیه می‌کنم، دلیل میارم استدلال می‌کنم بالا پایین می‌کنم، صورتهای مختلف را به شما نشون میدم، به این میگن توجیه. یعنی به اون چیز به اون شی به اون مفهوم توی ذهنم وجه می‌بخشم. باب تفعیل متعدی هست، من بهش وجه میدم تا وجه شما را بگیرم ازتون و توجه تان را به سمتش جلب کنم. درست شد؟ میگیم که باب تفعل از باب تفعیل اثرپذیری دارد. یعنی من توجه شما را میخرم با توجیهم. توجیه می‌کنم تا شما به من توجه کنید پس این بابها را اینجوری هم یاد بگیرید یادتون نمیره.

پس وجه خدا شد صفات و اسماء. خدا صفات و اسماءش را در اختیار ما گذاشته که ما با این صفات و اسماء متوجه درگاهش بشیم. هی دارم آروم آروم میگم. خدا که وجهش همان صفات و اسماء هست در اختیار ما گذاشته، ملاعام قابل دیدن هست، قابل لمس هست صفات و اسماء، ما با این صفات و اسماء که وجه خداست متوجه درگاه خدا میشیم. مفهومه؟ ما با وجه الله متوجه خدا میشیم. ما با وجه‌الله متوجه میشیم. با این وجه‌الله خدا را عبادت می‌کنیم نیازهامون را به درگاه خدا بیان می‌کنیم **" وَلِلّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى ۖ فَادْعُوهُ بِهَا "**

اگر دنبال صفات فعلی خدا هستیم پس باید چیزهایی را بگیم که مثل رحمت الهی، صفات فعل هست. خدا رحمتش را داره به ما ارزانی میده یا اِنعام، فعل هست، صفت فعل خداست یا فضل، خداوند ذوالفضل هست، صفت فعل هست. اینجوری مثلا متوجه درگاه الهی میشیم.

اگر صفات غیر فعلی منظورمون باشه، مثل چی؟ مثل علم، فعلی نیست غیرفعل هست. توجه می‌کنیم به علیم بودن خدا. یعنی خدا عالم هست یا علیم‌علی‌الاطلاق هست یا توجه می‌کنیم به عظمت و کبریائیش، خداوند چیه؟ متکبر هست **"جَباراً مُتَکَبراً "** توی سوره حشر داریم. مفهوم کبریایی را داره چون اینها غیر فعلی هستند. (دقیقه ۱۵)

با هر توجهی، ما باید یک صفتی را از خودمون بروز بدیم که با اون صفتی که از وجه‌الله به سمت ما تابش می‌کنه چی باشه؟ همخون باشه. مفهوم؟ من توی باب عظمت خدا مثلا به یک صفت غیرفعلی مثل عزت می‌خوام توجه کنم. میخوام به یک صفت غیرفعلی مثل عزت توجه کنم؛ چیکار کنم؟ خودم را چی نشون میدم؟ ذلیل نشون میدم یعنی صفتی از منِ عبد مخلوق باید بروز کنه که با صفتی از خالق قادر متعال هماهنگی داشته باشه وگرنه این توجه یعنی این لینکِ برقرار نمیشه این ارتباط برقرار نمیشه. به این میگن وجه. وجه خدا. من اگر می‌خوام که عزت خدا را برای خودم داشته باشم باید اول خودم را.

اگر میخوام غنای خدا را داشته باشم، خداوند غنی هست دیگه. **غنی حلیم، غنی علیم** هست، اگر می‌خوام غنای خدا را برای خودم کسب کنم خودم را چی نشون میدم؟ فقیر! **" يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ "** شما اول باید اون صفتی که با اون صفت وجه خدا تناسب دارد را نشون بدید تا خدا اون صفتش را به ما بروز بده و نشون بده. ظرف متناسب با اون را باید از خودمون بروز بدیم تا بتوانیم دریافت کنیم. این میشه اظهار حاجت. یعنی اگر ذلت نشون میدیم فقط در مقابل خدا و اگر ذلت در مقابل خداوند نشون بدیم در مقابل خلق خدا عزیز میشیم. یعنی کسی در بین خلق‌الله عزیز هست که فقط در مقابل خدا ذلیل هست. کسی در بین خلق‌الله، غنی هست که فقط در مقابل خدا فقیر هست یعنی ما این صفت را فقط باید در مقابل خالق‌مون نشون بدیم، نه در مقابل مخلوقات، بعد خدا عزت نفس میده خدا به ما غنا میده.

دوستان: ما برعکسش نشون میدیم. استاد: آره؛ در مقابل مخلوق خودمون را ذلیل نشون میدیم خودمون را فقیر نشون میدیم و به خواسته‌مون هم نمی‌رسیم.

این مثال آخری هم بزنم مثلا صفت غیر فعلی مثل علم، اگر می‌خواهیم از علم خدا بهره‌مند بشیم باید جهل خودمون را ابراز کنیم. فرشته ها چی میگن؟ ما هیچی نمی‌دونیم چون تو علام الغیوبی مثلا توی سوره بقره، توی سوره مائده، فرشته‌ها اظهار جهل می‌کنند تا از خدا دریافت علم کنند. آیه ۳۰ سوره بقره همین را کاملا باز می‌کنه. **" لَا عِلمَ لَنَآ إِلَّا مَا عَلَّمتَنَآ "** ۳۰ سوره بقره بود.

علامه اومدن نظرات دیگه را هم در مورد وجه گفتند، چون قبول نمی‌کنند ما هم ازش رد میشیم.

اما جمله بعدی میگه پروردگارشان را صبح و شام می‌خوانند. منظور از صبح و شام، دوتا از بهترین اوقات شبانه‌روز را مثال آورده کنایه از اینکه مدام در حال دعا هستند نه اینکه فقط صبح و شام. استمرار بر دعا و عادت به اون هست. این یک کنایه هست. بعضی‌ها اومدن گفتند نمازهاست علامه قبول نمی‌کنند. نمازهای یومیه نیست. (دقیقه ۲۰)

" وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا" تَعْدُ از ریشه چیه؟ عَ دَ وَ. تجاوز. راغب توی مفردات میگه اصلش در تجاوز هست. تمامی مشتقاتش هم همینه یعنی عدو به همین معنا هستش. اگر با حرف اضافه **أن** بیاد یعنی یک چشم‌پوشی هم توش هست.

بعد به پیغمبر چی می‌فرماید؟ میفرماید: دیدگانت را از آنان نگیر؛ یعنی چی؟ چشمات را از اونها نگیر از اینها که صبح و شب دائم در حال دعا هستند چشمات را ازشون نگیر یعنی توجه کن بهشون. عنایت بهشون داشته باش یا رهاشون نکن، مبادا از خودت برانی.

"وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ" این یک جمله ای هست که میگه: از کسی که ما غافل کردیم قلبش را یعنی خدا میگه این که غافل هست کار ما هست یه معنای جبر توش هست. اغفال قلب یعنی اینکه اون کسی که این کار دستش هست مثل خداوند، غفلت را بر ما مسلط می‌کنه، بر قلب ما. یعنی قلب‌مون نه که غافل بشه به شکل موقتی و زود گذر، نه؛ غفلت به طور کلی بر قلب ما مسلط شده، اونم توسط کی؟ خدا. میگه **" أَغْفَلْنَا"** ما این کار را کردیم. پس یک کنایه ای از جبر توش هست. خب این نوع جبری که خدا میگه مثلا یه جاهایی میگه ما هم گمراهش کردیم ما اغفالش کردیم ما این کار را کردیم اینها معنی همون ضلالت ثانویه هست یعنی کار انسان به یک جایی میرسه که خدا مسیر گمراهی را براش باز و بازتر می‌کنه. اغفال قلب اینه. اینقدر با حق

درافتادند اینقدر عناد ورزیدند خدا اینجوری مجازاتشان کرده یعنی روز به روز توی اون حالت غفلت، اول با اختیار خودشون بوده که غافل شدند اینقدر عناد پیشه کردند اینقدر جلو رفتند بعد خدا وارد شده و دیگه نمی‌ذاره اینها برگردند به عقب؛ به این میگن اضلال ثانویه. علامه میگن بر سبیل مجازات هست یعنی این نوع اغفال و اضلال، جنسش مجازات هست.

"وَاتَّبَعَ هَوَاهُ" این آدمهایی که غفلت بر قلبشون مسلط شده، یه ویژگی دیگری هم پیدا میکنند؛ چی میشن؟ هوای نفس را پیروی می‌کنند.

" وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا ﴿۲۸﴾" کارش می‌کشه به فُرُط. فُرُط از همون افراط و تفریط هست، فَرَطَ. تجاوز از حق.

دو تا آثار غفلت اینجا داریم، اغفال قلب: یکیش میشه هوای نفس، یکیش هم میشه فُرط. اول اونها عناد کردند خدا غفلت را بر اونها مسلط کرد، غفلت که بر اونها مسلط شد رفتند سراغ هوای نفس و با هوای نفس کارشون دیگه کشید به افراط، به زیاده روی، به تجاوز از حق.

آیه ۲۹"وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيَكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا وَإِنْ يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا ﴿۲۹﴾"

(دقیقه ۲۵) گفتم اونجا بوی جبر میده اینجا سریع اون توهم را دفع می‌کند. میگه پیغمبر تو کارت نباشه، تو حقت را بگو و برو. **"فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ "** بحث اختیار هست، هر کی خواست ایمان بیاره. **"وَمَنْ شَاءَ فَلْيَكْفُرْ"** مسیر باز هست مثل همون **"إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا"** عرض کردم بوی جبر میده ولی توی مقوله‌ی اضلال ثانویه می‌گنجد. بعد علامه می‌فرماید: خیلی بر وضع کفار تاسف نخور تو کار خودت را بکن اون چیزی که به تو وحی شده تلاوت کن، از همون آیه‌ی **" وَاتْلُ "** نفس خودت را صبور کن. یکی یکی داره دستورها را میگه **" وَاتْلُ "** ، **" وَاصْبِرْ "**، **"وَقُلِ"** یعنی سه تا دستور به پیغمبر داده تو تلاوت کن، وحی را درست برسون، صبور باش و بگو و برو و بیشتر از این کاری نکن. بیشتر از این کاری نکن چون بعدش میگه **"فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ"** هر کی خواست ایمان میاره هرکی هم نخواست کافر میشه. تموم شد، پیغمبر اینقدر حرص نخور. ایمان‌شون سودی به ما نمیده کفرشون هم ضرری به ما نمی رسونه، تو کارت را بکن و رد شو.

چون اینها با اختیار انتخاب کردند میشه؛ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا ما برای ظالمین یک آتشی فراهم کردیم **أَحَاطَ "بِهِمْ سُرَادِقُهَا"** این یعنی چی؟ یک آتشی فراهم کردیم که این آتش، سرادق یک کلمه فارسی هست احتمالا، مُعَرَب شده، سراپرده بوده. آتش اینقدر اینها را احاطه می‌کنه مثل یک خیمه آنها را در بر می‌گیره **"نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا"**

و بعد میگه: و اگر استغاثه کنند یعنی یک کمک خواهی یک فریاد خواهی یه آبی طلب کنند، چی بهشون داده میشه؟ **"يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ" مهل** یعنی مس مذاب. مس مذاب.

"مُرْتَفَقًا " مرفق یعنی آرنج. از ریشه رفق هست رفق یعنی مدارا کردن. مرتفق وزنش مُفتَعَل هست، اسم مکان هست. وزن مُفتَعَل هم می‌تونه اسم زمان باشه هم میتونه اسم مکان باشه هم میتونه اسم مفعول باشه هم مصدر میمی باشه یعنی یک وزن مشترک داریم بین چهار تا عنصر. مصدر، اسم مکان، اسم زمان، و اسم مفعول. اینجا

اسم مکان هست. مرتفق اصطلاحا به جایی که ما آرنج را تکیه می‌دیم لَم می‌دیم میگن مرتفق. میگه این حالتی توی جهنم هست. برای این ظالمین یه نوعی از آتش هست با یه نوعی از نوشیدنی گداخته، این حالت هم هستند یعنی هیچ اختیاری در پس زدن این نوشیدنی ندارند و در حلق‌شون ریخته میشه، **"یَشْوِی الْوُجُوهَ "** برشته میشن یعنی این مس مذاب. باز داره خداوند با عناصر دنیایی به ما می‌فهمونه یه چیزهایی را. اصل ماجرا چیز دیگری هست فرای مس مذاب و فرای آتش دنیایی هست. اینها برشته میشن پخته میشن با اون مس، هم از بیرون با آتش، حالا پوست و گوشت و اینها، هم از درون با اون نوشیدنی که شبیه مس مذاب هست.

ما توی بحث جبر و اختیار همیشه به شوخی میگیم، میگیم که ما مختاراً مجبوریم، مجبوراً مختاریم. جرأت داری شما غیر از اون مسیری که خدا میگه تعیین کن. اختیار داری هر کاری دوست داری توی این دنیا بکن ولی آخرش من اون دنیا می‌برمت جهنم. تهش باز جبر هست. بهترین حالت اینه که ما به جبر الهی که خداوند بهترین جبار هست تن بدیم چون به نفع‌مون هست مثل همون کلمه جبران هست. گفتیم **اِصلاحٌ الشَیء بِنوع مِنَ القهر**، جبر یعنی این. کسی که جبار هست و این صفت شایسته و برازنده خداوند هست جزو صفات جلالیه هم هست یعنی ابهت توش هست، خدا به بهترین شکل برای ما جبران می‌کنه. هر چی میگه گوش کنیم چون به نفع ما هست حتما. (دقیقه ۳۰) بعد به شکسته بند میگن جابر توی عربی. دیدید اگر استخوانی دررفته باشه یه زوری میزنه اون رو جابندازه، اون زور درد داره برای ما، شاید توی لحظه اول خوشایندمون نباشه، ولی تهش چیه؟ پامون جاافتاده، دست‌مون جاافتاده و خیلی هم به نفع‌مون بوده.

خدا میگه این جبرهای من که دارم میگم توی دنیا اختیار داری، پشتش جبر هست، من و شمای شیعه هم قائلیم که بینش هستیم. **لا جبر و لا تفویض بل امر بین امرین**. این حدیث از امام صادق هست. ما بین این دو تا هستیم ته تهش جبر هست. بیاییم قبول کنیم. خدا میگه ببین من این همه خرج کردم، ۱۲۴ هزار پیغمبر، بهترین بنده‌هام رو گذاشتم وسط تا شما را هدایت کنم، اومدید چیکار کردید؟ همه را کشتید با بدترین شکل ممکن. بهشتی هم براتون فراهم کردم با اون باغهای آنچنانی با اون چیزهایی که شما با عناوین دنیایی هم نمی‌توانید حتی تصور کنید، من فرای عناوین دنیایی دارم بهتون بهشت میدم، تمام خوردنی‌ها.

من توی یه کلاسی گفتم مزه‌ها تکراری نیست یعنی چون ما تا ابد اونجا هستیم بعد از قیامت، ما ابدیت داریم یا ابدیت در جهنم یا ابدیت در بهشت. توی بهشت ابدیت چون ته نداره هر چیزی که خواهیم خورد تا ابد تا بی‌انتها تمام مزه‌ها جدید هست یعنی مزه‌ای که الان می‌خوریم با مزه‌ای که قبلا خوردیم و مزه‌ای که بعداً خواهیم چشید با هم متفاوت هستند. خدا میگه من انواع و اقسام خوراکیها، نوشیدنی‌ها، نعمات و بالاتر از اون نعمات معنوی را در اختیارتان گذاشتم، واسه چی دارید اونوری میرید؟ بیخود؛ یعنی تهش اینجوریه. حالا که نمی‌خواهید این بهشت را، برید جهنم. این جبر الهی اگر بهش نگاه کنیم جز قشنگی نمی‌بینم. آره خدا زوری میخواد ما را ببره بهشت. واقعا هم همینه این همه خرج کرده بعد ما اینقدر ناشکر هستیم اینقدر بی‌انصاف هستیم این طرفی انتخاب می‌کنیم این همه بساط برای ما فراهم هست. بعد حدیث میاد میگه اگر کسی دو رکعت فقط واسه من بخونه من این بهشت را میدم. یعنی خدا منتظر هست به بهانه‌ی دو رکعت نماز درست و حسابی، ما را بذاره وسط بهشت. باز ما از بهشت فراری هستیم. بعد جملاتی، شبهاتی هست که ما نمی‌خواهیم زوری بهشت بریم شما میخواهید ما را زوری به بهشت ببرید. خدا میخواد زوری بهشت ببره ما نمی‌خواهیم بریم.

واقعا اگر آدم نگاه کنه به جباریت خداوند، خدا که عدل مطلق هست علم مطلق هست ذوانعام هست ذوفضل هست، برای ما بد نخواسته، چرا ما برای خودمون بد می‌خواهیم؟ بعد یه جایی خدا مجبور میشه بگه چی؟ من اغفال کردما من اضلال کردم یعنی ببینید ما کار خدا را به یک جایی می‌رسونیم که میاد میگه من گمراه‌تون کردم یعنی شما اصلا قابل هدایت نیستید.

من واقعا خودم با جبر اصلا مشکلی ندارم توی این فاز. یعنی من خدا را یک جباری می‌بینم که بهترین را برای من میخواد حالا توی دنیا یه خرده سختی می‌کشیم یه خرده اذیت میشیم ولی تهش یه بهشتی هست گرچه باز درمیریم. توی دنیا ما اختیار داریم ظاهرا، اما پشت اختیار، جبر قیامت هست. به هرحال یا بهشت هست یا جهنم، راه سومی وجود نداره.

دوستان: عدم باور هست،به خاطر اینکه باور نمی کنند آنچه خداوند در آیات میگه این بهشت هست این جهنم هست براشون درکش موضوعیت نداره و نتونستند درکش کنند. استاد: آخه سطح فهم ما فقط بهشت و جهنم هست در حالی که اولیای خدا اصلا بهشت و جهنمی هم نیستند یعنی سطح‌شان خیلی بالاتر از این حرفهاست. همون احادیث معروفی که هم از پیغمبر داریم هم از حضرت علی داریم هم از امام حسن داریم هم از امام حسین و هم از امام سجاد، که سه نوع مردم هستند در سوره واقعه. یه عده واسه بهشت هستند یه عده واسه جهنم هستند یک عده واسه خود خدا هستند. اون واسه خدا را ببین اونها چه لذتی می‌چشند اونا اصلا توی این فازهای ما نیستند ما مجبوریم به لذت بهشت فکر کنیم. به حداقل راضی بشیم. مجبوریم که از جهنم بترسیم. (دقیقه ۳۵) من همیشه میگم، خدا این جهنم را کلا برداره، بگه اصلا جهنمی وجود نداره، خانوم آقا جهنمی وجود نداره ببینم چندتامون نماز می‌خونیم خیلی از ما شخصیت‌هامون خوفی هست. از ترس اینکه جهنم نریم نماز می‌خونیم. درسته؟ از ترس اینکه جهنم نریم یک سری اعمالی را انجام نمی‌دیم. اگر خدا جهنم را برداره چندتامون نماز می‌خونیم؟ اکثر ما از ترس جهنم هست یه کاری می‌کنیم، یه وقت نمازمون قضا بشه می‌ترسیم از مجازات الهی. حالا این بهشت و جهنم را بردارند چند نفر واسه خود خدا نماز می‌خوانند اونها جاشون یه جایی بالاتر هست **"وَرِضْوَانٌ مِنَ اللّهِ أَكْبَرُ "**.

سوال: میگن که فضیلت نماز شب هم همینجور هست؟ پاسخ: آره؛ نماز شب اختیاری هست. اونی که واقعا گرمای پتو را بی‌خیالش میشه اون لحافِ، پتوِ، اون جای گرم نرم، خوش‌خوابی نصف شب را رها می‌کنه و به خاطر خدا بلند میشه و دو رکعت نماز برای خود خدا می‌خونه خب اون ارزشش خیلی بالاتر از اعمال عادی هست که ما از ترس جهنم نرفتن. تعداد آدم‌هایی که از ترس جهنم نرفتن اعمالی را انجام میدن یا نمیدن بیشتر از تعداد آدم‌هایی هست که به خاطر بهشت انجام میدن و تعداد آدم‌هایی که به خاطر خود خدا این کار را انجام میدن خیلی خیلی کم هست. خیلی کم هست یعنی فقط واسه خود خدا نماز می‌خوانند فقط واسه خود خدا عبادت می‌کنند، بهشت و جهنم خیلی در شأن‌شون نیست که بگیم نماز بخون جهنم نری یا نماز بخون بهشت بری. خیلی کسرشأن‌شون هست این حرفها.

آیه ۳۰" إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا ﴿۳۰﴾ "

جزای مومنین را داره بیان می‌کنه. ایمان و عمل صالح دو تا بال هستند. ما ضایع نمی‌کنیم، نفرمود ما اینجوری کردیم اونجوری کردیم چه چیزهایی براشون تهیه کردیم مثل سیاق آیات دیگه. اینجا میگه ما ضایع نمی‌کنیم، می‌خواد اون ته عنایت را خدا برسونه اینکه میگه من ضایع نمی‌کنم حقش را تمام و کمال میدم بیشتر از اونی هست که میگه من مثلا همچین بهشتی فراهم کردم با همچین نعماتی. وقتی خدا میگه که من قول میدم، من ضایع نمی‌کنم ما این کار را می‌کنیم اثرش و اون عنایتش خیلی بیشتر هست.

آیه ۳۱" أُولَئِکَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ یُحَلَّوْنَ فِیهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَیَلْبَسُونَ ثِیَابًا خُضْرًا مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَّکِئِینَ فِیهَا عَلَى الْأَرَائِکِ نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا ﴿۳۱﴾ "

"أُولَئِکَ لَهُمْ باز اینجا باز می‌کنه بهشت را، اینها براشون یک جنات عدنی هست.

این **"مُرْتَفَقًا"** مثل همون مرتفقای قبلی هست که گفتم. جهنمی‌ها هم تکیه‌گاه داشتند منتها در حال نوشیدن یک مس مذاب مانندی، گفتیم مثل دنیا نیست و اینها هم یک مرتفقی دارند.

"عَدْنٍ" یعنی چی؟ جنات عدن، عدن یعنی اقامت. ما توی فصل‌هایی از المیزان نمی‌دونم جلسه چندم هست، انواع جنات را گفتیم خاطرم هست، جنات الماوی، جنات الفردوس، جنات النعیم و جنات عدن. اینها را دونه دونه باز کردیم می‌تونید سرچ کنید توی کانال و بهش برسید.

"جَنَّاتُ عَدْنٍ" یعنی بهشتی که توش اقامت داریم و زندگی می‌کنیم. بعضی از جنت‌های قیامت حالت موقت داره. فعلا اینجا باش، داریم برات آماده می‌کنیم. اون سوئیت خوبه را داریم برات آماده می‌کنیم مثل هتل که میریم یا مثلا بعضی شهرها، یه جای موقتی برامون در نظر می‌گیرند تا بریم اون جای اصلی. ظاهراً جنات عدن اون جای اصلی اقامت هست یا بعضی‌ها میگن اون وسط بهشت هست مثلا یه سکویی داره. (من دارم تصویر سازی می‌کنم نمی‌دونم چجوریه، باید بریم اونجا ببینیم چه خبر هست؟) (دقیقه ۴۰)

کلمه **"أَسَاوِرَ"** جمع‌الجمع هست. "أَسَاوِرَ" جمع اَسوِرَ هست، اَسوِرَ جمع سِوار هست. دستبند، دستواره. این هم احتمالا مُعرب هست، معرب دستواره هست چطور میگیم گوشواره، قدیم به دستبند و النگو می‌گفتند دستواره که این معرب شده شده سِوار و اَسوِرَ، جمعش شده اساور. دستبند زنان. جناب راغب هم گفته این کلمه فارسی هست.

"سُنْدُسٍ" ابریشم نازک. **" إِسْتَبْرَقٍ"** ابریشم ضخیم. ما توی دنیا تصوری نداریم آخه ابریشم ضخیم من نمی‌دونم چه لطافتی داره ولی لباس‌های بهشتی یه بافت خاصی داره نمی‌دونیم اینو، اون دنیا باید بریم بپوشیم ببینیم چجوریه. خدا داره با مثال‌های دنیای ذهن ما، با ما حرف میزنه.

"الْأَرَائِکِ" جمع اریکه به معنای تخت هست معناش هم که مشخص هست.

توی بهشت یه جای وی‌آی پی هست بهش میگن جنات عدن.

بذارید ببینم بحث روایی چیزی نداره؟ امام باقر علیه‌السلام روایتی دارند که فرمودند: **"وَقُلِ الْحَقُّ مِن رَّبِّکُمْ ۖ فَمَن شَاءَ فَلْیُؤْمِن وَمَن شَاءَ فَلْیَکْفُرْ"** درباره ولایت حضرت علی علیه‌السلام هست. علامه چون که کلا سیستم‌شون اینه که آیه را کلیت میدن تعیین مصداق‌شون خیلی کم هست. باز می‌فرمایند که این از باب تطبیق

عام بر مصداق هست یعنی تعیین مصداق اگر بخواهیم کنیم یعنی آیه را بیاییم خاصش کنیم میشه ولایت حضرت علی، عامش کنیم دایره‌ش بزرگتر میشه.

خدمتتون عرض کنم که نوع نگرش علامه به آیات و روایات، تا جایی که ممکنه دایره آیه را محدود نمی‌کنند نه اینکه قبول نداشته باشند، متوجه هستید چی میگم؟ آیه را نمیان روی یک مصداق محدودش کنند مگر آیات خاص مثل همون آیه ولایت، **انما ولیکم الله**، مثلا آیات غدیر یا به فرض آیه سوره مجادله که فقط حضرت علی هست. بقیه آیات را میگن من اول اون چیزی را که پیام کلی آیه هست را با یه دایره بزرگتر در نظر می‌گیرم اگر بخوام براش یک مصداق خاص تعیین کنم، دایره تنگتر، دایره کوچیک میشه، زیر مجموعه این میشه ولایت حضرت علی. یعنی کلا نگاه‌شون به روایت اینطور هست.

بعضی از علمای جدیدتر به ایشون نقد وارد کردند، چرا نگاه‌تون به روایت اینه؟ به خاطر اینکه اگر آیه را محدود کنیم ما یه آفتهای دیگری را هم باید تحمل کنیم. تفاسیر روایی صرف داریم مثل تفسیر بحرانی و تفسیر نورالثقلین که فقط آیاتی که راجع بهشون روایت هست را باهاش سرو کار دارند و تفسیر می‌کنند. این خیلی محدود کردن هست این هم باز آفت داره یعنی یه سری آسیب‌هایی به این نوع تفسیر وارد میشه ولی اگر ما بیاییم تفسیر جامع در نظر بگیریم که هم روایت توش هست هم ادبیات توش هست هم شأن نزول توش هست هم عقل توش هست، منطق توش هست، فلسفه توش هست، یعنی یه تفسیر جامعی را بخوایم ارائه بدیم، همه اینها را در بر می‌گیره. علامه از این بابت در معرض اتهام هست که توجهش به روایت کم هست. در حالیکه اتفاقا بحث‌های روایی خیلی شیرین و جالبی داره. به هرحال اینها چالش‌های مجامع دانشگاهی هست یعنی این دعواها هست نقد به المیزان به این شکل هست. (دقیقه ۴۵)

این از بحث تفسیر امروزمون. خداروشکر که توانستیم این سیاق به جلو بریم.

بخش دوم

بررسی ۳ دروغ تاریخی درباره مناسبت نهم ربیع الاول

بحث دوم امروزمون بحث شاخصه‌های مکتب عرفانی نجف بود. قبل از اینکه اینو شروع کنم دو سه تا مطلب بگم شاید اصلا وقت نکنیم اون شاخصه‌های عرفانی را بگیم. این مطالب را لازمه بگیم. ما توی ایامی هستیم الان، امروز ۱۲ ربیع هست از دهم ربیع تا هفدهم ربیع هفته وحدت اعلام شده و یک تقارن خیلی جالب و عجیبی هم با نهم ربیع داره یعنی انگار از نهم ربیع این قضیه شروع میشه.
سه تا دروغ تاریخی در مورد نهم ربیع داریم که چی شد و چجوری شد که به نهم ربیع به این شکل پرداختند.

مراسم و جشنهای دروغین به عنوان قتل خلیفه دوم

نهم ربیع در دوران صفویه جشن‌های خاصی گرفتند تحت عنوان عیدالزهرا و فرحه‌الزهرا به بهانه کشته شدن خلیفه دوم. یکی از هوشمندانه‌ترین فتواهای تاریخی فتوای امام خمینی بحث وحدت هست. توی شرایط الان جهان اسلام، در شرایطی که شیعه جمعیت آنچنانی نداره و ما الان توی ایران اینجوری هستیم توی کشورهای اطراف به این شکل اصلا قدرت و شوکت نداریم، توی ایران هم دقت کنید بعضی جاها نداریم، نمی‌خوام خیلی مطلب را باز کنم.

کذب و عدم سندیت قتل خلیفه دوم در این تاریخ

اولا از لحاظ تاریخی یک دروغ بسیار بزرگ هست، روز نهم ربیع روز کشته شدن عمر بن خطاب نیست! هم منابع اهل سنت، همه‌شون بالاتفاق یعنی یه دونه از منابع اهل سنت نداریم که بگه نهم ربیع کشته شدن عمربن خطاب هست، همه‌شون میگن ۲۶ ذی‌الحجه. بلااستثنا. منابع شیعه چی میگن؟ شیخ مفید، سیدبن‌طاووس، شیخ طوسی، شیخ صدوق همه‌شون که ما اینها را قبول‌شون داریم توی شیعه، بزرگان‌مون هستند غیر از اینها که کسی را نداریم که بخواهیم توی این بحث‌ها بهش ارجاع بدیم مطالب مون را. همه‌شون میگن یا ۲۶، یا ۲۷، یا ۲۸ ذی‌الحجه هست یعنی اختلاف‌شون توی سه تا روز پشت سر هم هست به هرحال ماه ذی‌الحجه هست. درست شد؟ یعنی اختلاف این چند تا علمای بزرگوار که عرض کردم شیخ مفید، شیخ صدوق، شیخ طوسی و سیدابن‌طاووس در اینه که آیا ۲۶، آیا ۲۷ یا ۲۸ هست؟ ماه دیگری هم نیست! ذی‌الحجه هست.

قتل عمر بن سعد در این تاریخ

روز نهم ربیع روز کشته شدن عمر بن سعد شش سال پس از عاشورا به دست مختار ابوعبید ثقفی هست. این اون چیزی هست که به شکل سند داریم بررسی می‌کنیم. پس همچین چیزی سندیت نداره که نهم ربیع روز کشته شدن خلیفه دوم باشه. اینو سند نداریم دروغ هست و از دوران صفویه باب شده.
متاسفانه متاسفانه صفویه با همه خدماتی که به تشیع کرده توی این بحث‌ها هم متاسفانه صفویه خوب اقدام نکرده، دوران صفویه. حالا لجبازی بوده، لج و لجبازیه، کرکری خواندن با اهل سنت اون موقع بوده چی بوده که

در فضای دوران صفویه ما این مشکلات را داریم. یکی اون بحث‌های عاشوراست روضه‌های خیلی خاص عاشوراست که بعداً شهید مطهری میگن اصلا قبل از اینکه به مصیبت امام حسین گریه کنیم باید به تحریفات عاشورا گریه کنیم، توی دوران صفویه. این مسئله هم توی دوران صفویه هست بعضی از روضه‌های مربوط به حضرت زهرا سلام الله هم در دوران صفویه باب شد که دروغ بود. پس احتمال میره، من دارم براتون تاریخ میگم. احتمال میره توی دوران صفویه یک لج و لجبازی یک کرکری خواندن‌هایی با گروه مقابل خودشون باشه که به این شکل ما را هم الان درگیر کردند. این یک مطلب.

طرح حدیث رفع القلم به بهانه این‌روز و ضعیف السند بودن آن

دروغ دومی که درباره این روز گفتند حدیث رُفِعالقلم یا رَفْع القلم هست. به شکل مجهول رُفِعالقلم یا به شکل مصدر رَفْع القلم. یعنی چی؟ حدیث چی میگه؟ (دقیقه ۵) میگه شما توی این روز هر کاری کردی هر لباسی پوشیدی هر عمل شنیعی که در شأن یک انسان نیست چه برسه به مسلمانِ شیعه، انجام بدی هر کاری هر نوع شادی که توی مصداق گناه هست یعنی توی حالت عادی فقهی ما مجاز به انجام این کارها نیستیم هر کاری کردید چون فرشته‌ها مشغول شادی هستند و دست‌شون از قلم برداشته شده چیزی را برای شما نمی‌نویسند بهش میگن رَفع القلم. یعنی گذاشتند کنار فعلا، کارشون را تعطیل کردند شما هر کاری دلت میخواد بکن. این حدیث هیچ جا سندیت نداره همچین چیزی اصلا با عقل جور در نمیاد.

از لحاظ رجال، آیه‌الله خویی بزرگترین رجال شناس قرن هست ایشون کتاب معجم‌الرجال دارند که شاهکار هست یعنی من همیشه میگم باقیاتُ صالحات ایشون هست. تمامی احادیثی که به دست ما رسیده یک میلیون حدیث داریم نهصد و خورده ای هزار حدیث داریم. هر چی اسم آدم توی سندها بوده همه رو اومده بررسی کرده این خوب هست این بد هست، این توثیق شده این نشده، این تضعیف شده این فلان. یه دوران بیست سی ساله آیه‌الله خویی زحمت اینجوری کشیده. این کتاب فوق‌العاده‌ست. ایشون نابغه علوم قرآنی هستند. ما توی دانشگاه توی درسهای خودمون فقط مقدمه ش را میخوندیم، مقدمه معجم‌الرجال. ببین خودش چیه؟ خیلی قطور و خیلی مفصل هست. ایشون اومدن رجال حدیث رفع‌القلم را بررسی کردند همش بلااستثنا ضعیف بود سندیت نداره، اینم حدیث رفع‌القلم.

امام باقر علیه‌السلام می‌فرمایند: اگر دیدید یک حدیثی سندش درسته اما محتواش یعنی شما از لحاظ سند دیدید که قطعا از امام باقر امام صادق از امام موسی کاظم، از یک معصومی هست اما محتواش با آیات قرآن نمی‌سازه چیکارش کنیم؟ بزنیدش به دیوار. **فاضربوه علی‌الجدار** یعنی حتی میگه جایی هم دیدید سند درسته باید محتوا هم بررسی بشه.

ما دو حالت نقد داریم برای حدیث. نقد سندی که همون رجال هست و نقد متنی بهش میگن یعنی متن حدیث هم باید بیاییم دونه دونه، آیا میسازه؟ علامه خیلی از روایاتی که سند درست بود اما به مقام انبیاء نمی‌ساخت گذاشته کنار، میگه اصلا نمی‌تونم اینو قبول کنم با عصمت انبیاء منافات داره. پس این یه دروغ. دروغی که راجع به روایت رفع‌القلم از زمان صفویه تا الان هست.

این روایت رفع‌القلم کی اومده توی احادیث ما؟ پانصد و هشت سال پیش یعنی حدودا نهصد سال بعد از امامان. این حدیث توی این نهصد سال کجا بوده؟ ما به احادیثی رجوع می‌کنیم که مال متقدمین باشه یعنی اول باید ما اون حدیث را توی منابع متقدم ببینیم که اگر ردش را توی منابع متاخر و معاصر دیدیم بگیم که این حدیث درسته. یه دفعه‌ای بعد از نهصد سال یه حدیثی ورود پیدا می‌کنه توی احادیث ما، نباید بهش شک کنیم؟ مال پانصد و هشت سال پیش هست. اینم حدیث رفع‌القلم.

عدم اسلام فیروز پارسی معروف به ابولؤلؤ و یهودی بودنش و اقدام به قتل عمر بن خطاب بدلیل تسویه حساب شخصی

دروغ تاریخی سوم! جناب فیروز فارسی یا نهاوندی به نام ابولؤلؤ. اصلا مسلمان نیست گفتند یا مسیحیه یا یهودیه یا زرتشتی. یهودی بودنش موثق‌تر هست. یهودی بوده تسویه حساب شخصی داشته با عمر. چرا؟ توی جنگ فتح ایران به دستور عمر خیلی‌ها توی ایران کشته شدند برادر این شخص کشته شد خودش اسیر شد، شد غلام توی مدینه. یه سری دعواهای لفظی جلوی مردم کنار مسجدالنبی با عمر هم داشته، این عقده کرده، اون کشته. پسر عمر، عبیدالله‌بن عمر، زن و بچه‌اش و هرمزان را که از دوستانش بودند به طرز فجیعی مقابل به مثل، کشته. چون قصاص شرعی نکرده خود عبیدالله بن عمر هم در معرض این بوده که قصاصت درست نبوده به جای یه نفر باید همون را می‌کشتی، چرا زن و بچه را کشتی؟ تا مدتها بعد هم که عثمان توی جایگاه خلافت نشست از مجازات عبیدالله بن عمر که سر خود قصاص کرده صرف نظر کرد. از اون دهن‌کجیهایی بود که عثمان توی تاریخ انجام داد. (دقیقه ۱۰)

گوش می‌کنید؟ ابولؤلؤ اصلا یهودی هست، نه عشق حضرت علی داشته، نه خواسته انتقام حضرت علی را بگیره. این شعرهایی که توی این ایام می‌خوانند در شأن ابولؤلؤ و برایش قربون صدقه میرن، ببینید چقدر جهل داریم ما! تسویه حساب شخصی بوده از عشق حضرت علی نبوده پس اون انتقام اونجوری نبوده.

می‌گفتند قبرش کاشان هست، سالها مردم می‌رفتند توی کاشان در روز نهم ربیع می‌زدند می‌رقصیدند بعد حکومت جمع کرد اونجا را بست. اونجا هم نیست چون توی مدینه کشته شده، توی کاشان واسه چی؟

دوستان: میگن فرار کرده اومده. استاد: نه؛ اشتباه هست. کشتنش.

دوستان: به هرحال کار مهمی کرده، خدا دستش را بگیره!!

استاد: ما یه منطقه‌ای رفتیم برای سخنرانی (اینو هم بگم برای مزاح.) برق‌ها رفت توی ایامی که برق‌ها می‌رفت. توی اون اوج گرما هم بود که هوا خیلی گرم بود واقعا اذیت شدیم جمعیت هم شلوغ، کیپ تا کیپ نشسته بودند خیلی اذیت بودیم. بعد برق‌ها اومد یکی گفت: برای شادی روح ادیسون صلوات. بعد همه از ته دل صلوات فرستادند. گفتم: خانوم ادیسون اصلا خدا نداشت. ناخداباور هست. گفت: نه دمش گرم، یه صلوات دیگه، سه تا صلوات فرستادند!

اصلا نیت ابولؤلؤ حضرت علی نبوده. شخصی بوده. توی فعل نیت مهم هست. تو تسویه حساب شخصی خودت را داشتی که عمر را کشتی، نه به خاطر انتقام حضرت علی یعنی انتقام حضرت علی را نخواستی بگیری. اصلا

حُبی نداشته نسبت به حضرت علی که بگیم رفته انتقام حضرت علی و حضرت زهرا را گرفته. اگر می‌خواستند خودشون می‌گرفتند، چه کاری هست.

می‌خوام بگم که این اتفاقات هست این بنده خدا یهودی هست بعضی‌ها هم میگن مسیحی هست، بعضی میگن زرتشتی مجوس هست. یهودی بودنش مستند هست. دیگه یه کاری کرده.

ما می‌تونیم شادی کنیم به خاطر ولایت امام زمان، شادی کنیم به خاطر ایام تولد حضرت رسول و امام صادق، شادی کنیم به خاطر کشته شدن عمر بن سعد، اما این اون روز نیست آخه! من دارم میگم اون یه روز دیگه بوده ۲۶ ذی‌الحجه بوده. حالا هی بخوایم اشتباه کنیم.

نیاز جهان اسلام به وحدت مسلمین و فتاوای مراجع عالیقدر مبنی بر رعایت این حدود

یه حرف دیگه. نه تا مرجع همه شون گفتند لعن مقدسات اهل سنت فعلا علنی و غیر علنی حرام! آقا نگید، حرام هست، الان شرایط بد هست، نکنید این کار رو. چرا اسم میارید؟ چرا لعن می‌کنید؟ متقابلاً اونها هم میان به مقدسات ما لعن می‌کنند. یکی یه ضربه‌ای خورد ما شریک هستیم. عبدالمالک ریگی شب‌های عملیات فیلم‌های عیدالزهرای ما را می‌ذاشته تا بتونه سربازهاش را تحریک کنه.

آقای مرعشی نجفی خدا روحش را شاد کنه، از آیه‌الله مرعشی نجفی یه نقل هست خودشون مستقیم میگن، توی یکی از روستاهای همدان دو تا شیعه را آوردند دوست آیه‌الله مرعشی داره براشون تعریف می‌کنه، ایشون هم توی خاطرات‌شون نوشتند که در جلوی چشم همه سر زدند به خاطر شیعه بودن که اینها عیدالزهرا گرفته بودند و یک سینی داغی را که قبلاً روی آتیش گذاشته بودند گذاشتند روی اون بدنی که حالا سرش را قطع کردند. آخه این چه کاریه؟ الان این چه کاریه؟ بعد داماد آقای شیرازی، یاسرالحبیب توی لندن میره روی منبر و علنی یکی از همسران پیغمبر را لعن مستقیم کنه و تهمت... (دقیقه ۱۵)

ما وقتی که می‌خواهیم تاریخ بخونیم همیشه گفتم من تاریخ را از روی متن و مستند می‌خونم و مثلا میگم خانوم پیغمبر یه همچین کارهایی کرده، اینه اینه، اینجوری می‌خونیم و فعلا بصیرت‌مون اینجوری اضافه می‌کنیم. وقتی علما، نه تا مرجع که عقل‌شون خیلی بیشتر از من و شماست میگن نکنید! آقای وحید، آقای سیستانی، مقام معظم رهبری، آقای مکارم، آقای جوادی آملی، آقای جعفر سبحانی، آقای گلپایگانی، قبلی‌ها آقای بهجت، امام که اصلا بحث، میگن نکنید جایز نیست، کلمات فقهی، جایز نیست! حرام است. مقام معظم رهبری میگن اکیدا حرام است. این اکید حرام است یعنی چی؟ فعلا نکنید دیگه! این چه کاریه؟ باز می‌بینیم توی جلسات مخفیانه لباس قرمز پوشیدند کارهای بسیار زشت.

بعد من سوالم اینه، مگه نمی‌خواهید دل حضرت زهرا شاد بشه؟ تصور کنید حضرت زهرا اومدن نشستن بالای مجلس، آیا یه دونه از این کارها را تایید می‌کنند و سرشون را تکون بدن بگن آفرین دلم رو شاد کردی، من با این کارهای شما الان توی اوج خوشحالی هستم؟ این چه کاریه؟

لعن درسته، همین الان علما، مراجع میگن همین لعن هم انجام ندید به اسم. به خدا خیلی سخت نیست قبول کردنش. لعن‌های زیارت عاشورا، لعن کنید هر کسی را که ظلم کرده، اسم نیارید. صبح تا شب لعن زیارت عاشورا را بگید. اصلا اصل برائت، تبری و تولی جزو اولای فروع دین هست ما آوردیم دوتای آخرش. دهم، تبری و تولی!

خیلی مهمه برائت! خیلی مهم هست دشمن شناسی. ولی توی فتوای حکم ثانویه سیاسی، الان شرایط ایجاب نمی‌کنه.

از زمان امام سجاد تا زمان امام حسن عسکری قبل از دوران غیبت صغری کلا تقیه واجب هست یعنی از امامان که ما جلوتر نیستیم. تقیه واجب هست. اگر شما توی یک شرایطی قرار گرفتید مثل اونها وضو بگیر و نماز بخون. اجازه دادند تقیه واجب هست. فعلا زنده بمونیم ما کار مهم‌تری داریم. کدوم اهل‌سنتی با عیدالزهرا شیعه شده؟ یه نفر را بیارید! بدتر شدند، گفتند: پس لابد ما برحق هستیم که اینها دارند اینجوری می‌کنند.

توی آیه قرآن میگه بت را فحش نده **"وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ"** که اونها به خدای شما فحش ندن. رفتار متقابل هست دیگه، شما دارید فحش میدید.

ما تاریخ می‌خونیم بصیرت‌مون را زیاد می‌کنیم و منتظریم. فعلا وقتی به ما میگن اسم نیارید میگیم چشم! اسم خلفا را نیارید میگیم چشم! سمعا و طاعتا. هر مرجعی! هیچ مرجعی قبول نکرد این جور چیزها را. من توی فاطمیه مگه خودتون نبودید توی فاطمیه چقدر از اینها گفتم من تاریخ را می‌خونم شما هم متوجه ظلم میشید. این یه حرف دیگه‌ست ولی این حرکات زشت و این رفتارها اصلا دو ماه محرم و صفر عزاداری کردیم زحمت کشیدیم زدیم توی سر و صورت خودمون بعد اومدیم خرابش میکنیم توی نه ربیع! کدوم از امامان کار ما را تایید می‌کنند؟ چرا امام حسن عسکری که هشتم ربیع شهادت‌شون بود توصیه می‌کنند که توی تشییع جنازه‌های اهل سنت برید باهاشون بنشینید، پاشید، دمخور باشید، غذا بخورید باهاشون؟ مهمونی هاشون برید. چرا میگن؟ کدوم امامی اینجوری گفته؟ چند تا روایت داریم اما کاملا روایت‌ها انگار توی مجالس خصوصی بوده. این فهم، این بصیرت چرا باید امام اینجوری بگه؟ یه چیزی درک میکنه دیگه. درک‌شون از ما بالاتر هست. چرا رهبر دارند اینجوری میگن؟ یه درکی دارند، دارن شرایط را از بالا نگاه می‌کنند نه مثل ما توی خودامون. از بالا دوربین انداخته. الان ما بیاییم مباحث را بگیم اصلا نمی‌تونیم از فلسطین حرف بزنیم اونوقت که! نمی‌تونیم از سوریه حرف بزنیم نمی‌تونیم از خیلی از مسائل حرف بزنیم. (دقیقه ۲۰)

همه زنان پیغمبر ام‌المومنین هستند چرا؟ حرمت ازدواج دارند. اسم ام‌المومنین از اینجا اومده. کتاب علامه عسکری، علامه عسکری یه دونه زدند به پیشانی‌شون گفتند من خودم را وقف اهلبیت کردم یه مهر زدن به پیشانی شون که من خودم را وقف اهلبیت کردم. کتابی نوشتند: نقش عایشه. کتاب اینقدر قشنگه و مستند هست و بی‌طرفانه نوشته. ما می‌دونیم موضع علامه عسکری چیه ولی وقتی میاد حرف علمی و مستند می‌زنه و منصفانه و عادلانه حرف میزنه از اول میاد تاریخ را نقل می‌کنه. این کتاب باید چی باشه که دانشگاه الازهر مصر تاییدش کنه و بگه این کتاب علمی هست. وهابیا میگن: بودن این کتاب، جرمش اعدام هست ولی دانشگاه الازهر مصر که اصلا مرکز اخوان المسلمین هست متعصبین اهل‌سنت مصر هستند چرا باید همچین کتابی را قبول کنند؟ ببینید یه آدم چقدر باید درست حرف بزنه؟ از بس که نخواندیم، مطالعه نداریم، تنبلی می‌کنیم توی مطالعه، نقش عایشه در اسلام هست اسم کتاب. و میاییم بدتر. اگر یک نفر اومد گفت ما با عیدالزهرا، فرحه‌الزهرا یه نفر را توانستیم شیعه کنیم من دستش را می‌بوسم.

شیخ زکزاکی توی مهد اهل‌سنتِ بسیار متعصبِ وهابی، بوکوحارام توی نیجریه، بیست و پنج میلیون آدم را شیعه می‌کنه. با نشان دادن قشنگی‌های مکتب اهلبیت. بیست و پنج میلیون آدم کم نیست، اندازه جمعیت یک

کشور شیعه کرده. ما چند نفر تونستیم شیعه کنیم با اخلاق و رفتار درست تشیع؟! هیچی! بعد میاییم عیدالزهرا می‌گیریم بدترا! توی این روزها امان از این استوری‌های قرمز. استوری قرمز می‌زنند فلان می‌کنند. آخه الان دنیای اسلام واقعا نیاز به وحدت داره ما یه دشمنان دیگری داریم با خودمون نباید دشمنی کنیم. وهابی‌ها را که اصلا اهل سنت نمی‌دونیم. ما توی خودمون باید بتونیم به یک وحدتی برسیم. وحدت‌مون اعتقادی نیست، وحدت‌مون سیاسی هست. چون دشمن‌مون کس دیگری هست. وحدت ما سیاسی هست! اعتقادی آره، اعتقادی ما مشکل داریم. ما یه چیزای دیگری عقیده داریم شما یه چیزهایی دیگه. دلیل نمیشه به جون همدیگه بیفتیم فحشای زشت بدیم، حرکت‌های زشت نشون بدیم توی شبکه‌های ماهواره‌ای فدک، حالا فدک ۱، فدک۲، فدک۳، پنج تا فدک داریم مال این آقای شیرازی هست. شبکه ماهواره‌ای امام حسین ۱، ۲، ۳، ۴، ۵. ۵۴ تا شبکه ماهواره‌ای داره این شخص، خودش و دامادش و اطرافیانش، تماما داره این ایام لعن علنی روی منبرها، توی لندن که اجازه منبر بهشون میدن و داره تحریک می‌کنه بعد مقابلش آیا آقای شیرازی! آقای یاسرالحبیب! آقای فلانی و فلانی! جرأت دارید برید توی زاهدان ایران، این حرفها را بزنید؟ جرأت دارید برید سنندج؟ توی همین کشور خودمون. الان توی قم این کار را می‌کنید هنر کردید؟ روز نهم ربیع سوار بر الاغ میشن برعکس، قرمز می‌پوشند کلی کارهای زشت، وارد حرم هم تازه می‌خوان بشن. همین چند سال پیش بله می‌کردند. دو سه سال پیش

می‌خواستند وارد حرم بشن، نذاشتن وارد حرم حضرت معصومه بشن که بیان شادی‌شون را اونجا بکنند. متاسفم واقعا! وحدت‌مون سیاسی هست. وحدت اعتقادی نداریم، اعتقادات‌مون یکی نیست راجع به خدا، راجع به کعبه و راجع به قرآن و پیغمبر، تازه یه بخش اعتقادات‌مون مشترک هست. حتی راجع به پیغمبرش هم من بیام توی اختلافات بدمم کلی ما اختلاف اعتقادی راجع به شخص پیامبر داریم. در مورد صفات خدا هم ما اختلاف اعتقادی داریم. اینها را که ما نمی‌تونیم منکرش بشیم. اختلاف اعتقادی بله داریم تا دلتون بخواد. اختلاف سیاسی نه. الان باید هوشمندانه رفتار کنیم. وحدت سیاسی، نه وحدت اعتقادی. اعتقادات‌مون را نمی‌تونیم کنار بذاریم ولی می‌تونیم توی سیاست مثل هم عمل کنیم چطور می‌تونیم با مسیحی و یهودی کنار هم زندگی کنیم توی کشورمون؟ نمی‌تونیم با مسلمان زندگی کنیم؟ اینها محکوم به طهارت هستند. مسیحی محکوم به طهارت هست توی فقه مراجع. اینها که دیگه حتی جواز ازدواج هم باهاشون داده شده. خیلی‌هاشون هم محب اهلبیت هستند ما با گنده‌هاشون کاری نداریم مردم عادی را نباید تحریک کنیم.(دقیقه ۲۵)

الان ما یه مسئله مشترکی به نام فلسطین داریم بحث غزه هست بحث محور مقاومت هست. شما خبر دارید توی محور مقاومت نصف، اهل سنت هستند یعنی گردان‌های قسام، گردان حُفاظ داره همه‌شون حافظ کل هستند اهل سنت هستند چیکار کنیم اینها را ردشون کنیم؟ ایمان شون خیلی جاها مثلا توی بحث مصیبت خیلی از ما جلوتر هست. کل خانواده ش را از دست میده میگه **حَسْبُنَا اللّهُ وَ نِعْمَ الْوَکیلُ!** توی صبر بر مصیبت خیلی از ما جلوتر هستند خیالتون راحت. گرفتند یه چیزهایی را! بحث جهاد را خیلی خوب گرفتند.

سوال: می‌پرسند که با مسیحیت مقایسه می‌کنید، اینها دشمن اهلبیت هستند؟ پاسخ: عوام‌شون خیر؛ دشمن نیستند. بله من بالاتر و بهتر از مسیحیت می‌دونم. چون توی فقه همه مراجع میگن مسیحی اگر تثلیث باشه نجس هست. هیچ‌کدوم‌شون راجع به اهل‌سنت همچین حرفی نزدند. عوام‌شون که خیلی هم بنده‌های خدا اصلا

توی بی‌خبری هستند بهشون اطلاعات نرسیده، اون بزرگانشون، وهابی ها را که اصلا خیلی حساب نمی‌کنند. من که نه! علما. اهل سنت هم نمی‌دونند چون خیلی تحریف کردند، همان فقه اهل سنت را فقه حنبلی را که شد سلفی‌گری از قرن هفتم به بعد از ابن تیمیه به این ور، تحریف کردند، اصلا اهل سنت هم نیستند، وهابی‌ها را بذارید کنار. سلفی‌ها را بذارید کنار. مالکی‌ها، حنفی‌ها، خود حنبلی‌های اصل، شافعی‌ها، اینها را نمی‌تونیم باهاشون مشکل سیاسی داشته باشیم، فعلا ما یه هدف دیگری داریم. صبر باید کنیم.

آقای سیستانی میگه اهل سنت، جان ما هستند این حرف خیلی عجیب هست. اگر این کارها را نمی‌کردند که حشدالشعبی راه نمیفتاد. نصف حشدالشعبی سنی هستند. چجوری توانستند جلوی داعش بایستند؟ داعش خیلی از اهل سنت را کشت. اینجوری نبود که مثلا توی بحث داعش دعوای شیعه و سنی باشه. اگر دیدید یه جایی توی این اختلافات خیلی دمیده میشه بدونید پای یه جریان دیگری وسط هست، تا می‌بینند که یه هدفی داره خوب پیش میره سریع بحث شیعه و سنی راه میندازن. الان اصلا دغدغه ما این نیست. راست میگیم با اخلاق خوب، با رفتار خوب، با بصیرت با آگاهی سازی طرف را جذب کنیم. بلد نیستیم؟ فحش ندیم.

دوستان: خیلی متعصب هستند این بزرگواری که حالا تحت عنوان آیدی مهمان هستند. استاد: تعصب، بله دارند. بهشون هم حق بدید یه روزه که انتظار نباید داشته باشیم ما بشینیم بگیم که اهلبیت ما اینجوری هستند اون جوری هستند بعد بیان بگن سمعا و طاعتا. آقای تیجانی سه سال مطالعه کرد تیجانی که از بزرگان علمای اهل سنت هست سه سال مطالعه کرد گفت سه سال من نه شیعه هستم نه سنی، فقط میام نماز می‌خونم روزه می‌گیرم خمس و زکاتم را میدم به مشترکات فعلا عمل می‌کنم سه سال، خدایا ازم قبول کن نه شیعه هستم نه سنی، مطالعه می‌کنم به هر چی که رسیدم. تحقیق کرد رسید به مکتب اهلبیت. پنج تا هم کتاب داره برید بخونید تو رو خدا. کتاباش اولیش، ثم‌اهتدیت. بعد همراه با راستگویان، بعد اهل سنت واقعی، بعد اهلبیت کلید واقعی مشکلات. پنج تا کتاب حالا پنجمی را یادم نیست. سلسله کتاب هست. دکتر تیجانی، همون ثم‌الهتدیت را بخوانید بسه. کلی شیعه کرده این کتاب. خیلی هم باریکه دو روزه می‌خونید. کلی شیعه کرده مستدل حرف زده، قشنگ حرف زده. بله؛ کونوا مع‌الصادقین. این پنجمی را یادم رفته بود.

اگر تونستیم با تحقیق بهشون یه چیزی را، ماها قصد هدایت به این شکل نداریم ما که هدایتگر نیستیم. اگر سمتش و مسیرش باز شد از جانب خدا، از زبان ما، خود خدا جور می‌کنه مسیر را. بلد نیستیم حرف بزنیم، بلد نیستیم مجادله کنیم، جدال احسن داشته باشیم، وارد نشیم. ما این کاره نیستیم. حداقل اگر کسی را جذب نمی‌کنیم دفع نکنیم. (دقیقه ۳۰)

خسته نباشید ممنون از همراهی تون.

آخرش اون عرفان را نتونستیم بخونیم، عیب نداره، من فکر کردم امروز حتما لازمه این صحبت‌ها را داشته باشم.

وَ آخِرُ دَعْواهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمِین

اللّهُمّ اجْعَلْنا وَجِیها بِالْحُسَینِ علیه السلام فِی الدّنْیا وَ الْآخِرَةِ